

## معنای واژگان و عبارات دشوار درس سیزدهم (درس خسرو)

۱- ارتجالا انشایی می ساخت:

بی درنگ و بدون اندیشه قبلی انشا می خواند.

۲- لاجرم سپر بینداخت و از میدان بگریخت:

ناچار تسلیم شد و از میدان فرار کرد.

۳- خروس غالب حرکتی کرد نه مناسب حال درویشان:

خروس پیروز برخلاف رفتار جوانمردان رفتار کرد.

۴- حریف مغلوب که تسلیم اختیار کرده، مخذول و نالان استرحام می کرد:

خروس شکست خورده که تسلیم شده بود، خوار و زاری کنان طلب رحم می کرد.

۵- مخور طعمه جز خسروانی خورش / که جان یابدت زان خورش، پرورش:

تنها؛ غذای شاهانه بخور / تا جانت از آن غذا قوی شود و پرورش یابد.

۶- دمی آب خوردن پس از بد سگال / به از عمر هفتاد و هشتاد سال :

لحظه ای آرامش پس از نابودی دشمن / از عمر طولانی بهتر است.

۷- مگر در ریاضی که «کمیتش لنگ بود...»:

جز در درس ریاضی که ضعیف بود و مشکل داشت.

۸- خشت می زد: سخن بی ارزش می گفت.

۹- اشتر به شعر عرب در حالت است و طرب / گر ذوق نیست تو را کژ طبع جانوری

شتر با شعر عرب خوشحال و شادمان می شود / اگر تو ذوق خوشحالی نداری، حیوان بی ذوقی هستی.

۱۰- فی الجمله نماند از معاصی منکری که نکرد و مسکری که نخورد:

خلاصه، از گناهان، هر کار زشتی انجام داد و هر گونه شرابی را خورد.

۱۱- کبوتری که دگر آشیان نخواهد دید / قضا همی بردش تا به سوی دانه و دام:

کبوتری که سرنوشتش نابودی باشد/ تقدیر او را به سوی گرفتاری در دام می کشاند.

## تکالیف:

کارگاه درس پژوهی مربوط به درس خسرو را انجام داده و برای من بفرستید.